

# کابوس وحشت در سینمای ایران

## آرزو شادکام

در طبقه‌بندی فیلم‌ها و ژانرها یا گونه‌های مختلف سینمایی معیارهای گوناگونی دخالت دارند که در این میان، الگوهای ثابت و قابل تشخیص، تکنیک‌های سینمایی و قراردادهای از پیش تعیین‌شده، مهم‌ترین مشخصه‌ی گونه‌های سینمایی است. اگرچه وجه تشابه در مواردی چون محتوا، خط سیر داستان، موقعیت، صحنه‌پردازی، ساختار و برخی از نشانه‌ها، از ویژگی‌های اصلی فیلم‌های متعلق به یک گونه‌ی خاص است، اما گاه حضور بعضی بازیگران شاخص در یک فیلم سینمایی نیز می‌تواند ملاکی برای قرار گرفتن فیلم در یک گونه‌ی خاص باشد در تعاریف کلاسیک از گونه‌های سینمایی به برخی ژانرهای ثابت برمی‌خوریم هر چند توافق جامعی در مورد تعداد گونه‌های سینمایی وجود ندارد؛ از جمله این ژانرها، ژانر وحشت است. مهم‌ترین ویژگی این ژانر سینمایی آن است که پیش از این که صدا به صنعت سینما وارد شود شکل گرفت. با ورود فیلم‌های ناطق به سینما ژانر وحشت موقعیتی متفاوت پیدا کرد و گسترش یافت و فیلم‌های این ژانر در جهت تحقق و ایجاد صحنه‌های دلهره و وحشت با صدا همراه شدند. ژانر وحشت یکی از قدیمی‌ترین گونه‌های سینمایی است. گونه‌ی که قصد دارد مخاطب خود را بترساند و پنهان‌ترین احساسات شخصی او را تحریک کند؛ به طوری که در بسیاری از اوقات این ترس، از لایه‌های سطحی عبور کرده و حالتی آگاهانه و هشداردهنده پینا می‌کند. فیلم‌های این ژانر یا به عبارت ساده‌تر فیلم‌های ترسناک چون اغلب به نیمه‌ی پنهان زندگی انسان‌ها اشاره دارند و اتفاقات و حوادث تاریک و فراموش‌شده‌ی زندگی بشر را به تصویر می‌کشند، از منابع متعددی الهام می‌گیرند؛ بخشی از این فیلم‌ها را داستان‌های عامیانه‌ی که پیش از ابداع سینما وجود داشته و نسل به نسل نقل شده‌اند در بر می‌گیرد، بخشی دیگر مربوط به خرافات و باورهای ذهنی بوده و بخش عمده‌ی هم مربوط به زندگی و احضار ارواح و جادوگران است. با این همه، فیلم‌های ترسناک و امدار ادبیات نیز بوده و برخی از آن‌ها از آثار کلاسیک ادبیات اقتباس شده‌اند.

## ژانر وحشت در ایران

ژانر وحشت با وجود جنابیت‌های بسیار برای جلب مخاطب سابقه‌ی چندانی در سینمای ایران ندارد و آن‌طور که شایسته‌ی این گونه بوده جدی گرفته نشده است، با این حال در تاریخ سینمای ایران نام بعضی از سینماگران با این گونه‌ی سینمایی گره خورده است. «ساموئل خاچیکیان» کارگردانی بود که سعی داشت در این ژانر کار کند؛ هر چند در فیلم‌هایش تعلیق بیش از ترس دیده می‌شود، اما او در سینمای ایران تنها کسی است که به این ژانر مهجور بیش از بقیه توجه داشت. کارنامه‌ی کاری خاچیکیان با سینمای وحشت عجین است و این روند که پیش از انقلاب با فیلم «ضربت» آغاز شده بود، پس از انقلاب با فیلم‌هایی چون «مردی در آینه» و «بلوف» ادامه پیدا کرد.

اگر نگاهی به سینمای وحشت دنیا بیندازیم می‌بینیم که برخی از کارگردانان به صورت خاص بر روی این ژانر متمرکز شده و همان را ادامه می‌دهند و یا گاه بازیگرانی هم هستند که در نقش‌هایی از این گونه جا افتاده‌اند ولی در ایران کمتر بازیگر و یا کارگردانی در یک نقش یا گونه‌ی سینمایی جا می‌افتند؛ البته خاچیکیان یکی از کسانی است که در ژانر وحشت ماندگار شد و در کنار او نمی‌توان از آثاری چون «شب بیست‌ونهم» به کارگردانی «حمیدرخشانی» نیز بی‌تفاوت گذشت، چرا که این فیلم یکی از تجربه‌های ماندگار ژانر وحشت در ایران است. هر چه پیش می‌رویم و زمان می‌گذرد جرقه‌هایی دیده می‌شود، اما نمی‌توان گفت که این ژانر با ساخت یک یا دو فیلم در سال - از میان حدود ۱۰۰ فیلم تولیدی - که به‌طور مشخص هم در ژانر وحشت وجود ندارند بلکه رگه‌هایی از ترس را به تماشاگر تلقین می‌کنند و کار چندان دلچسپی نیستند احیا شده است؛ هر چند همین فعالیت‌های جسته‌گریخته را هم باید به فال نیک گرفت. سینمای وحشت در ایران از قدمت چندانی برخوردار نیست و طبعاً به همین دلیل پختگی لازم را نداشته که البته این مسئله به مناسبات حاکم بر سینمای وحشت دنیا نیز بازمی‌گردد، با این حال اثرپذیری از فرهنگ بومی و به نوعی ایرانی شدن آن امری انکارناپذیر است. در فرهنگ عامه‌ی ایرانی بیش‌ترین عامل ترس، موجودات ماورایی هستند که با ظاهر شدن در قالب جن، روح، شیخ، آل و ... بر وجود انسان مسلط می‌شوند و او را مورد آزار قرار می‌دهند که در این موارد گاه مخاطب هم مورد هجمه‌ی روحی قرار می‌گیرد. در واقع هر آن چه که بتواند به طریقی مخاطب را از حالت عادی خود خارج کرده و در او دلهره و ترس ایجاد کند، می‌تواند در سینمای وحشت مورد استفاده قرار گیرد.

## نقش زنان در ژانر وحشت

نقش زنان در ژانر وحشت را نمی‌توان نادیده گرفت و غالباً این طیف از هنرمندان کمک زیادی به خلق صحنه‌های رعب‌آور می‌کنند. تغییر چهره، بیخ و فریاد از جمله عواملی هستند که زنان بازیگر در این گونه فیلم‌ها با استفاده از آن‌ها مخاطبان‌شان را به واسطه‌ی ایجاد شدن ترس می‌خکوب می‌کنند. البته نکته‌ی قابل توجهی که به عنوان یک ضعف باید به آن نگاه کرد این است که در بیش‌تر موارد از تضعیف جسمی و روحی زنان برای ترساندن مخاطب استفاده می‌شود و در برخی از همین موارد زنان ترسوی فیلم‌ها همان کسانی هستند که به اصل مسئله‌ی که آنان را وادار به ترس می‌کند غلبه کرده و آن را از پای درمی‌آورند! ویژگی دیگر زن در سینمای وحشت، منفعل و آسیب‌پذیر بودن است و همین خصیصه دلیلی است بر این که سینماگران با تأکید بر آن وجهی دیگر از این ژانر را به نمایش بگذارند. بنابراین نقش زنان در سینمای وحشت، نقشی اساسی و مؤثر است.



جای خالی ژانر  
وحشت در سینمای ما  
کاملاً محسوس است؛  
هرچند در این سال‌ها  
گهگاه مورد توجه  
برخی از سینماگران  
واقع شده، ولی  
نمی‌توانیم کارنامه‌ی  
قابل قبولی از این ژانر  
ارایه دهیم

### وحشت و طنز

برخی از فیلم‌های ژانر وحشت با نگاهی تلخ و گاه با طنز همراه است و این ویژگی شاید یکی از دلایلی باشد برای جذب مخاطب، که در کنار یک اثر ترسناک لبخندی هم روی لبانش بنشانند، اما این مسئله فراموش نشدنی است که این طنز در اغلب موارد در خدمت ژانر است؛ یعنی طنزی که در خدمت ترس به کار گرفته شده، مخاطب را با خود همراه می‌کند. فیلم‌هایی از این دست در سینمای وحشت ایران بسیار هستند، از جمله «خوابگاه دختران» که توسط «محمدحسین لطیفی» کارگردانی شده است؛ در این فیلم طنز در خدمت روح غالب بر فیلم است که به آن جهت می‌بخشد البته این جهتمدهی نیز در خدمت ترس حاکم بر فیلم است.

### جای خالی ژانر وحشت

جای خالی ژانر وحشت در سینمای ما کاملاً محسوس است؛ هرچند در این سال‌ها گهگاه مورد توجه برخی از سینماگران واقع شده، ولی نمی‌توانیم کارنامه‌ی قابل قبولی از این ژانر ارایه دهیم. تهیه‌کنندگان هم برای تولید چنین فیلم‌هایی، به دلیل مسئله‌ی بازگشت سرمایه، رغبت چندانی نشان نمی‌دهند.

لاریوش باباییان از جمله تهیه‌کنندگانی است که به جای خالی این ژانر در سینما اشاره می‌کند و می‌گوید: «تهیه‌کننده کارش تهیه و تولید فیلم است، اما اصل بر این است که به فروش مناسبی هم دست پیدا کند؛ با توجه به فروشی که این گونه فیلم‌ها در سال‌های اخیر داشته‌اند بعضی از همکاران ما، فیلمسازان و فیلمنامگیوسان به کار در این ژانر روی آورده‌اند.»

محمدعلی سجادی مهم‌ترین مشکل این عرصه را فیلمنامه‌ی خوب می‌داند و می‌گوید: «این ژانر قابلیت کار بسیاری دارد، ولی فیلمنامه‌ی خوب

و قوی و امکانات هم در تولید چنین آثاری مؤثر هستند. اغلب فیلمنامه‌های مربوط به ژانر وحشت از تنوع و انسجام کافی برخوردار نیستند به همین دلیل هم فیلمسازانی که علاقمند به کار در این ژانر هستند غالباً ترجیح می‌دهند فیلمنامه‌ی از خود را کارگردانی کنند و همین مسئله روند تولید ژانر وحشت را در سینما با کندی مواجه کرده و باعث شده که در سال بیش از چند فیلم در این ژانر نداشته باشیم؛ در حالی که علاقمندان ژانر وحشت را تعداد بسیاری تشکیل می‌دهند و همین مخاطبان به سوی فیلم‌هایی از نوع خارجی روی می‌آورند.»

هرچند طی سال‌های اخیر فیلم‌هایی چون «تئوری»، «خوابگاه دختران» و «پارکوی» در این ژانر ساخته شده و اخباری هم مبنی بر تولید فیلم‌های ترسناک دیگری شنیده شده، اما این مسئله که «جای ژانر وحشت در سینمای ما هم‌چنان خالی است» را نمی‌توان کتمان کرد تا جایی که فیلم «کینه» که یک اثر خارجی بوده و با سالن محدود آکران شد، توانست بیش از ۱۰۰ میلیون تومان فروش داشته باشد؛ پس از همین حالا می‌توان این تضمین را به تهیه‌کنندگان داد که اگر فیلم ترسناک خوب و خوش‌ساختی را تهیه کنند می‌توانند روی بازگشت سرمایه و حتی سود آن هم حساب کنند.

یکی دیگر از دلایلی که باعث می‌شود سینماگران از ژانر وحشت دوری کنند، کمبود امکانات فنی است؛ البته نباید عدم جسارت لازم خود سینماگران را هم نادیده گرفت. ای کاش سینماگرانی بودند که این ژانر را، که گونه‌ی بی‌است با مقبولیت بالا، ادامه می‌دادند تا هم نام فیلم‌هایشان در تاریخ سینمای ایران ثبت می‌گردید و هم نام آن‌ها در این ژانر ماندگار می‌شد؛ همان‌طور که نام خاچیکیان در ژانر وحشت ماندگار شده است.